دور و نزدیک

برزیل از آمریکا توضیح خواست

● **بی‌بی‌سی:** برزیل از دولت آمریکا درباره خبرهای مبنی بر نظارت سازمان اطلاعاتی این کشور بر میلیون‌ها ایمیل و تماس تلفنی شهروندانش توضیح خواست. در تحولی دیگر «الکسی پوشکف»، رییس کمیته امور بین‌الملل در پارلمان روسیه در پیامی در توییتر نوشت: ونزوئلا در انتظار پاسخ ادوارد اسنودن، افشاگر اطلاعات محرمانه آژانس امنیت ملی آمریکاست. ممکن است این آخرین شانس برای پناهندگی سیاسی باشد. همچنین رائول کاسترو، رییس‌جمهور کوبا، از متحدان کوبا در آمریکای لاتین که آماده‌اند به ادوارد اسنودن پناهندگی دهند حمایت کرد، اما نگفت که آیا کوبا خود مایل است به او پناهندگی دهد یا نه. درتحولی دیگر نشریه اشپیگل در گزارشی اعلام کرد افشاگر آژانس امنیت ملی آمریکا، آلمان و آمریکا را به همکاری در عملیات‌های جاسوسی متهم کرد.

نروژ افغانستان را تهدید کرد

● **خبرگزاری فرانسه:** نروژ تهدید کرد که به دلیل «ناکامی» دولت افغانستان در اجرای تعهدهای خود، کمک‌هایش به این کشور را کاهش می‌دهد. مقام‌های نروژی گفتند که این کشور در اجرای تعهد خود در مورد زمینه‌سازی برای برگزاری انتخابات معتبر، حمایت از حقوق زنان و مبارزه با فساد موفق نبوده است. نروژ در سال ۲۰۰۸ متعهد شد که سالانه ۷۵۰ میلیون کرون (معادل ۱۱۰ میلیون‌دلار) تا سال ۲۰۱۷ میلادی به افغانستان کمک کند.

تظاهرات لیبیایی‌ها برای خروج گروه‌های مسلح

● **اسکای‌نیوز عربی:** ده‌ها نفر از مردم لیبی با برگزاری تظاهراتی خروج گروه‌های مسلح از شهر طرابلس را خواستار شدند. گروه‌های مسلح در شهر طرابلس از زمان براندازی نظام معمر قذافی، دیکتاتور مخلوع لیبی تجمع کردند. در این تظاهرات شرکت‌کنندگان پرچم‌های سفید رنگ و دست نوشته‌هایی را حمل می‌کردند که روی برخی از آنها جملاتی در مخالفت با حضور شبه‌نظامیان در طرابلس نوشته شده بود.

دبیرستان‌ها در نیجریه تعطیل شدند

● **بی‌بی‌سی:** در پی حمله به یکی از مدارس شبانه‌روزی در ایالت یوبه در نیجریه، مقام‌ها در این ایالت دستور داده‌اند دبیرستان‌ها تعطیل شوند. شاهدان عینی گفته‌اند که افرادی با در دست‌داشتن ظرف‌های حاوی سوخت به مدرسه حمله کرده و آن را به آتش کشیدند. به گفته آنها تعدادی از دانش‌آموزان زنده در آتش سوختند و تعدادی دیگر نیز در حالی که فرار می‌کردند هدف تیراندازی مهاجمان قرار گرفتند. دولت نیجریه گروه بوکو حرام، متشکل از اسلامگرایان افراطی را مسوول این حمله می‌داند. در تحولی دیگر اتحادیه اروپا کشتار دانش‌آموزان در نیجریه را محکوم کرد.

بارزانی و مالکی به توافق رسیدند

● **ایسنا:** نخست‌وزیر عراق دیدار خود با مسعود بارزانی رییس منطقه کردستان عراق را که طی سه سال گذشته برای اولین بار به بغداد سفر کرده است مثبت ارزیابی کرد. نوری المالکی گفت: ما در این دیدار مسایل موجود کشور را بررسی کردیم و قرار شد کمیته‌های پیگیری اختلاف نظرها در مورد مساله نفت و گاز و ماده ۱۴۰ قانون اساسی و مسایل مربوط به مرزهای مشترک استان‌های عراق تشکیل شود و این کمیته‌ها بر اساس منافع کشور و قانون اساسی عمل کنند.

یک سوم حمص ویران است

● **ایسنا:** منابع سوری از پیشروی ارتش در شهر حمص و تصرف مهم‌ترین پایگاه‌های افراد مسلح در این شهر خبر دادند. این در حالی است که دیده‌بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد یک سوم شهر حمص در درگیری‌های اخیر کاملا نابود شده است. در تحولی دیگر ژنرال دمپسی رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا، گفت: مساله به این سادگی نیست که جنگ در سوریه را با به کارگیری یک قابلیت خاص آمریکا متوقف کنیم و این مساله برای حل‌شدن ۱۰ سال زمان می‌برد. همچنین نخست‌وزیر پیشین انگلیس سوریه، خواستار اعمال منطقه پرواز ممنوع و مسلح‌کردن مخالفان سوری شد.

ادامه از صفحه اول

بی‌تخصص‌ها شانسی در ورزش ندارند

دیگر خصوصیت مهم، داشتن ادراک کامل و مهارت ادراکی یعنی شناخت جزییات هر موضوع و درک روابط بین این جزییات و عناصر و توانایی کل‌نگری است به‌عبارتی دانش استفاده از هنر استقرا و قیاس و توانایی برقراری ارتباط بین عناصر و تصویر کلیت و تمامیت سازمان است زیرا وزارت ورزش و جوانان از عناصر بسیار زیاد و پیچیده‌ای برخوردار بوده و وزیر آینده باید از مهارت ادراکی بالایی برخوردار باشد تا بتواند توازن و تعادل را بین جمیع این عناصر برقرار کند. حسن بزرگ ایجاد وزارت ورزش و جوانان این است که دیگر مانند سابق از افراد نزدیک به دولت و کسانی که از پستی دور مانده‌اند، بدون هیچ صافی و فیلتری و بدون ارایه برنامه‌ای نمی‌توانند ورود کنند چرا که با وجود وزارت ورزش و جوانان وزیر پیشنهادی جهت گرفتن رای اعتماد از مجلس باید دارای برنامه مدون و راهبردی بوده و با برخورداری از شایستگی و صلاحیت و معیارهایی که برخی از آنها در بالا اشاره شد، بتواند سکان یکی از حساس‌ترین و پرانعکاس‌ترین وزارتخانه‌های کشور را به‌دست گیرد.

عکس: AFP

موقعیت پیچیده حزب «النور»

کشته‌شدن بیش از ۴۲ نفر در درگیری ارتش و هواداران مرسی

حداقل ۵۳ نفر از هواداران مرسی در تیراندازی ارتش کشته شدند. هواداران رییس‌جمهور برکنار شده مصر که در مقابل گارد ریاست‌جمهوری که بنا بر خبرها مرسی در آنجا در بازداشت به‌سر می‌برد تحصن کرده بودند، صبح دیروز با آتش نیروهای ارتش مواجه شدند. وزارت بهداشت مصر از کشته‌شدن دست‌کم ۴۲ نفر و زخمی‌شدن بیش از ۳۰۰ نفر خبر داده است که در میان قربانیان زن و کودک نیز حضور داشتند. ارتش معتقد است که تروریست‌های مسلح قصد حمله به مقر گارد ریاست‌جمهوری را داشتند و آغازگر درگیری‌ها بوده‌اند اما اخوان‌المسلمین اعلام کرده است که هواداران این گروه تنها به شکلی صلح‌آمیز تحصن کرده بودند ولی با پایان نماز صبح، ارتش روی متحصنان آتش گشود. رسانه‌های مصری اما گزارش می‌دهند که ارتش و پلیس تنها هنگامی که معترضان قصد بالارفتن از دیوار مقر را داشتند دست به اسلحه برده‌اند. این امکان وجود دارد که نیروهای حامی مرسی از زنان و کودکان به عنوان سپر انسانی استفاده کرده باشند.

در تحولی دیگر عدلی منصور اعلام کرد که مرسی در محلی امن تحت‌الحفظ است. از سوی دیگر درحالی که حکم حبسی ۱۵ روزه برای ۲۳ نفر از اعضای ارشد اخوان‌المسلمین صادر شده است، البرادعی بر ضرورت مشارکت اخوان در آینده سیاسی مصر تاکید کرد. پس از تکذیب انتخاب البرادعی به عنوان نخست‌وزیر، هم‌اکنون خبر از احتمال انتصاب بهاءالدین، حقوقدان ۴۷ساله سوسیال‌دموکرات به نخست‌وزیری به گوش می‌رسد.

همچنین سفارت آمریکا که فعالیت‌های روزمره خود را متوقف کرده شاهد تظاهراتی در بیرون محوطه خود است. همچنین شیخ الازهر اعلام کرده است که به‌زودی پشت شیعیان نماز خواهد خواند. واقعیت ماجرای کشتار دیروز هرچه که باشد، اولین و مهم‌ترین نتیجه‌اش این بود که حزب سلفی «النور» مذاکرات خود برای تشکیل موقت را به حال تعلیق در آورده است. جایگاه امروز حزب «النور» در میان منازعات مصر چندان روشن و ثابت نیست.

«النور» دومین جریان اسلامگرا در مصر پس از اخوان‌المسلمین محسوب می‌شود که آشکارا خواهان اجرای قانون شریعت و بازگشت به قرائتی بنیادگرایانه و وهابی در جامعه است. حزب در جریان انتخابات پارلمانی به پیروزی چشمگیری دست یافت و توانست با کسب ۲۸/۸درصد آرا و ۱۲۷ کرسی (به عنوان حزب اصلی در «بلوک اسلامی» و ۱۱۱ کرسی به تنهایی) پس از حزب آزادی و عدالت اخوان‌المسلمین، بیشترین کرسی را به خود اختصاص دهد. متحد پیشین اخوان اما مواضعش در تحولات منتهی به برکناری محمد مرسی و به زیر کشیدن اخوان در تغییر جهتی آشکار همسو با مخالفان قرار گرفت. هرچند حزب «النور» با انتخاب محمد البرادعی به نخست‌وزیری مخالفت کرد و دیروز نیز در اعتراض به اقدام ارتش به مذاکرات خود و حضور خود برای دولت آینده خاتمه داد. بزرگ‌ترین حزب سلفی مصر اما در موقعیت دشواری قرار گرفته است. این امکان وجود دارد که با بالاگرفتن بحران در مصر این حزب نیز به سایر گروه‌های اسلامگرای حامی مرسی بپیوندد. در نزدیکی مواضع جریان‌های سلفی به عربستان سعودی، تردیدی وجود ندارد اما اگر پیش‌بینی آنها مبنی بر جاری‌شدن رودی از خون، رنگ واقعیت به خود بگیرد آنها نیز به مقاومت اسلامی علیه ارتش و نیروهای سکولار خواهند پیوست و با توجه به ارتباطات گسترده با القاعده، سایر قبایل مسلح سلفی و گروه‌های جهادی، خطر خونین‌شدن هرچه بیشتر درگیری‌ها افزایش می‌یابد و هشداری برای شکل‌گیری یک جنگ داخلی تمام‌عیار همانند الجزایر در دهه ۹۰ میلادی شدت می‌گیرد.

کابوس الجزایر برفراز مصر

به قلم: عبدالرحمان راشد . ترجمه: محمدعلی عسگری

پیام رهبران «اخوان‌المسلمین» در مصر پس از برکناری «محمد مرسی» از قدرت، «خشونت» را به همراه داشت. صحنه‌های مربوط به کشته‌شدگان و بوی آتش و هرج‌ومرج در انحای مصر، ما را به یاد حوادث الجزایر بعد از انتخابات سال ۱۹۹۲ می‌اندازد. شاید سرنگونی مرسی درست باشد اما باید یک داستان را با تمام عناصرش روایت کرد. پیش از تعطیلی روند انتخابات در الجزایر در این کشور هرج‌ومرج وجود داشت و تهدید به مخالفت با نظام می‌شد. در پی تعطیلی انتخابات بود که خشونت‌ها فوران کرد. بعد از مدتی افراط‌گرایان، افکار عمومی جامعه را از دست دادند و درنهایت نیز خشونت‌طلبان به اهدافشان نرسیدند. در اواخر سال ۱۹۸۸ الجزایر، کشوری بسته بود که می‌رفت تا یک روند اقتصادی تازه و مبتنی بر بازار آزاد را شروع کند. وقتی شاذلی‌بن‌جدید رییس‌جمهور این کشور برگشت و اعلام کرد به دلیل کاهش بهای نفت مردم باید یک دوران ریاضت اقتصادی را تحمل کنند، تظاهرات‌ها علیه او شعله‌ور شد. بن‌جدید طرحی را ارایه داد که مطابق آن باید قانون اساسی تازه‌ای نوشته و به سلطه یک حزب واحد حاکم پایان داده می‌شد. در همین رابطه بود که او اجازه برگزاری یک انتخابات آزاد را داد. اما به دلیل رقابت‌های موجود، کشور وارد یک دوره هرج‌ومرج شد، به نحوی که قریب یک سال تظاهرات مخالفان قطع نمی‌شد. در خلال این دوران بود که ده‌ها حزب درست شد و یکی از آنها جبهه اسلامی نجات به رهبری شیخ عباس مدنی بود. شناخت این حزب جدید آسان نبود مگر از طریق سخنان رهبرانش. اکثر رهبران این حزب را افراد میانه‌رو، ازجمله شیخ عباس مدنی تشکیل می‌داد. اما در میان این گروه، برخی دیگر هم بودند که خواستار تظاهرات تندتر در میادین پایتخت بوده و با زبانی دیگر تهدید به لغو قانون اساسی می‌کردند. یکی از رهبران برجسته این جماعت علی بلحاج معاون رییس حزب بود. وقتی خشونت‌ها تشدید شد هیچ‌کس باور نمی‌کرد که رهبران این حزب در پشت حوادث مذکور باشند. آنها ارتش را مسوول خشونت‌ها می‌دانستند و بعید هم نبود که ارتش به دنبال بهانه‌ای برای توقف انتخابات و تحکیم قدرت خود باشد. اما سال‌ها بعد روشن شد که ارتش به دنبال چنین کاری نبوده و برنامه گروه‌های مسلح تکفیری در طول ۲۰ سال بعد هم اثبات کرد که چه کسانی از خشونت سود می‌برند. افراط‌گرایان علاوه بر خشونت، بهانه‌های زیادی آوردند، مثل تهدید به لغو قانون اساسی بعد از پیروزی و اینکه دموکراسی و به آتش کشیدن اماکن عمومی به بهانه‌های دینی حرام است و... از این رو بسیاری امروزه دیگر دعاوی افراط‌گرایان را نمی‌پذیرند زیرا اثبات شد که نمی‌توان آنها را وارد خانه دموکراسی کرد. بدون فهم تجربه الجزایر و ترکیه نمی‌توان تحولات مصر را فهمید. در ترکیه حزب اسلامگرای حاکم، یک الگوی مدرنی را ارایه داده است که می‌تواند با همبستگی، حکومت کند. اما اخوان در مصر به تجربه جبهه نجات در الجزایر نزدیک‌ترند. آنها می‌خواهند در انتخابات پیروز شوند ولی حاضر به پذیرش اصول دموکراسی نیستند. اخوان یک حرکت سیاسی است و می‌خواهد قدرت را در اختیار خود بگیرد. تا اینجا قابل پذیرش است. با این شرط که اخوان بتواند صداهای افراط‌گرایان را در داخل خود مهار کند. کسانی که حاضرند برای دست‌یافتن به قدرت، اعمالی برخلاف قانون اساسی انجام دهند. گروهی می‌تواند به دموکراسی پایبند باشد که به مشارکت سیاسی تکیه کند و برای جدایی قوا از همدیگر احترام قایل باشد نه اینکه بگذارد تا رییس‌جمهوری یا رییس قوه مجریه‌ای بر قوه‌قضاییه تسلط پیدا کند. کاری که هدف صریح اخوان‌المسلمین بود. با این وصف باید پرسید آیا مصر به سمت همان دالان تاریکی می‌رود که الجزایر رفت؟ نمی‌دانم. اما می‌دانم که هر جامعه‌ای ویژگی‌های خودش را دارد و مصری‌ها با وجود آنکه در تنگنای سختی گرفتار آمده‌اند، قادر هستند تجربه خودشان را داشته باشند و پروژه خودشان را تحقق بخشیده و از این تاریکی به سوی نور حرکت کنند.

منبع: شرق الاوسط

ابوقتاده اتهاماتش را رد کرد

ابوقتاده، روحانی تندرو اردنی که از وی به‌عنوان دست راست بن‌لادن، رهبر کشته‌شده القاعده یاد شده، اتهاماتش را رد کرده است. از سویی دیگر یک روزنامه پاکستانی مدعی شد بن‌لادن رهبر سابق القاعده هنگام کشته‌شدن توسط نیروهای ویژه آمریکایی، مسلح و به دنبال نارنجکی دستی بوده است. **(خبرگزاری فرانسه)**

بازگشت بوتفلیقه به الجزایر

عبدالعزیز بوتفلیقه رییس‌جمهور الجزایر که طی چند ماه گذشته در بیمارستانی در پاریس بستری شده بود، روز گذشته به الجزایر بازگشت. رییس‌جمهور ۷۶ساله الجزایر پس از وخیم‌شدن اوضاع جسمانی‌اش در ۲۷ آوریل در بیمارستانی در فرانسه بستری شد. **(ایسنا)**

وزیر سابق راه‌آهن چین به اعدام محکوم شد

لیو ژیجون، وزیر سابق راه‌آهن چین پس از آنکه به اتهام رشوه‌خواری و سوءاستفاده از قدرت گناهکار شناخت شد، به اعدام و دو سال حبس محکوم شد. او به سوءاستفاده از موقعیتش برای ارتقای درجه ۱۱ نفر و گرفتن ۱۰/۵۳ میلیون دلار رشوه متهم شده بود. **(شینهوا)**

نفت، علی‌اف و جمهوری برای آذربایجان

سیاوش رزمند: باکوی امروز کمترین شباهتی به یکی از بازماندگان اتحاد شوروی ندارد. عروس دریای خزر مملو از مراکز خرید به سبک غربی و برج‌های سر به فلک کشیده‌ای است که زیر آفتاب می‌درخشند. آذربایجان چشم جهانیان را به خود جلب کرده است. امنیت خط لوله باکو- تفلیس- جیحان، نفت خزر را به قلب اروپا می‌رساند و نیاز غرب را از نفت روس‌ها رفع می‌کند. خیابان‌های باکو به پاریس و میلان پهلو می‌زند. مک دونالد هیچ لحظه‌ای خالی از مشتری نمی‌شود و شهروندان باکو خودروهای لوکس خود را در خیابان‌های سنگفرش زیر تصاویر غول‌آسای الهام و حیدر علی‌اف می‌رانند. اما اگر از باکو خارج شویم تصویر دیگری روشن می‌شود. زندگی پررنگ باکو جای خود را به جاده‌های تنگ و نه‌چندان استاندارد با مردمی سنتی و عمیقا مذهبی می‌دهد. تنها وجه مشترک، حضور پررنگ تصویر رییس‌جمهور محبوب و طبیعتا مادام‌العمر «الهام» و بنیانگذار و پدر ابدی آذری‌ها «حیدر علی‌اف» است که در هر جاده، خیابان و مغازه‌ای، تصویری از آنها حضور دارد. جمهوری آذربایجان یکی از ثروتمندترین جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی محسوب می‌شود. جنگ با ارمنستان و استقلال «جمهوری کوهستانی قره‌باغ» (آرتساخ) که منجر به اشغال مناطق کلیدی این کشور همانند «شوشا» و «لاچین» به دست نیروهای ارمنی شد نیز تاثیری در پیشرفت اقتصادی آذربایجان نگذاشت. اما نوسازی اقتصادی آذربایجان چهره دیگری نیز دارد. بسیاری از آوارگان جنگ قره‌باغ در بدترین شرایط، بدون هیچ‌گونه امکانات اولیه در واگن‌های متروک قطار یا کارخانه‌های تخریب‌شده دوران شوروی، گذران می‌کنند. دولت آذربایجان حیات خود را براساس یک سیستم پلیسی و امنیتی بنا کرده است. اعلام شرایط جنگی در کشور به این دولت اجازه داده است که صدای هرگونه مخالفی را ساکت کرده و کشور را در شرایط اضطراری از لحاظ سیاسی اداره کند. فساد گسترده اداری به صورتی است که حتی مقامات دولتی نیز به آن اذعان دارند. طنز تاریک این است که باکو در روزگاری نه‌چندان‌دور تبدیل به محل مناسبی برای قرارهای ملاقات تروریست‌های قفقاز شمالی (چچن‌ها و داغستانی‌ها) و نفرات مرتبط با القاعده شده بود، حال آنکه آذربایجان مهم‌ترین متحد دولت اسراییل در منطقه محسوب می‌شود و یکی از بزرگ‌ترین کنیسه یهودیان در اروپا در باکو است. اینکه در کشوری با جمعیت شیعه چگونه می‌توان گرایش‌های سلفی از یک سو و روابط نزدیک با اسراییل را توجیه کرد تنها از عهده الهام علی‌اف برمی‌آید. خاندان علی‌اف حاکمان مطلق سرزمین شعله‌های جاویدان هستند. همسر و دختران علی‌اف شمایلی همانند ستارگان سینما و موسیقی بر خود دارند و پسر کوچک رییس‌جمهور نقش ولیعهد این جمهوری موروثی را بازی می‌کند. انتخابات آذربایجان که همواره با تقلب گسترده همراه بوده به انتخاب نمایندگان حزب حاکم، منتهی می‌شود. اعتراضات خیابانی سال ۲۰۰۵ که با الهام از انقلاب‌های اوکراین و گرجستان شکل گرفته بود با خشونت سرکوب شد و اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ نیز تغییری در وضعیت کشور ایجاد نکرد. در پی برگزاری مسابقات «یورو ویژن» در باکو در سال گذشته، دولت دست به تخریب مناطق مسکونی حاشیه باکو زد که عمدتا به اقشار پایین جامعه تعلق داشت. اعتراض ساکنان به ناعادلانه بودن قراردادهای مندرج میان شهرداری و مردم، اقدامی علیه امنیت ملی محسوب و به شدت با آن برخورد شد. این داستان بسیار شنیده شده است که در دور گذشته مسابقات «یورو ویژن» چند شهروند آذربایجانی به جرم اینکه طی این مسابقات به وسیله اس‌ام‌اس به نماینده ارمنستان رای داده بودند دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفتند. قدرت مطلق الهام علی‌اف حداقل در آینده نزدیک، متزلزل به نظر نمی‌رسد. در انتخابات پیشین ریاست‌جمهوری او توانست با کسب بیش از ۸۷درصد آرا در مقابل ۲/۸۲درصد رای نزدیک‌ترین رقیبش «اقبال آقازاده» مجددا به ریاست‌جمهوری انتخاب شود. حال برای انتخابات پیش‌رو که مقرر است در اکتبر سال‌جاری برگزار شود گروه‌های اپوزیسیون و ائتلاف نیروهای دموکراسی‌خواه تصمیم گرفته‌اند که تنها با یک کاندیدا در مقابل رهبر مقتدر آذربایجان صف‌آرایی کنند. «رستم ابراهیم بگف» فیلمساز مشهور که به خاطر فیلمنامه‌ها و نمایشنامه‌هایش در تمامی جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی چهره‌ای شناخته‌شده محسوب می‌شود و برنده جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی برای فیلم «آفتاب سوخته» (به کارگردانی نیکیتا میخالکوف، ۱۹۹۴) است، به عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری از طیف مخالفان در روز سه‌شنبه ۱۱ تیر انتخاب شد. اینکه انتخابات آینده آذربایجان موجب تغییر رهبر این کشور شود بعید به نظر می‌رسد. اما اینکه با توجه به شرایط منطقه، تبدیل به انتخاباتی مناقشه برانگیز شود دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. هرچند تصورکردن شخصی به‌جز الهام علی‌اف به عنوان رییس‌جمهور آذربایجان، نه غیرممکن ولی به سختی قابل تصور به نظر می‌رسد.

شکایت رائول از تباهی اخلاق

مریم امیری: «نزول معیارهای اخلاقی» در جامعه کوبا آنقدر رائول کاسترو، رییس‌جمهور این کشور را آزرده کرده است که در جلسه سالانه پارلمان، که معمولا به اعلام برنامه‌ها و طرح‌های آینده اختصاص پیدا می‌کند، هیچ حرف اقتصادی‌ای نزد و در عوض گزارشی از «تباهی اخلاقی» ارایه کرد. این احتمال هم وجود دارد که ناتوانی دولت او برای حل‌وفصل مشکلات اقتصادی این کشور که پس از فیدل کاسترو رخ نموده‌اند، او را وادار کرده مسایلی چون «رشوه» و «ساخت‌وساز غیرقانونی» و «تخریب محیط‌زیست» را به گردن «تباهی اخلاقی» بیندازد. رائول با اظهار تعجب از اینکه نظام آموزشی کوبا که به قول او دستاوردهایی داشته، نتوانسته رشد فرهنگی درخور جامعه ایجاد کند، گفت از این مساله «احساس بدی» دارد. او فهرستی از رفتارهایی را برشمرد که به گفته او نمونه‌های «بی‌انضباطی اجتماعی» هستند: «مردم در خیابان‌ها فریاد می‌زنند و فحش می‌دهند، مست می‌کنند، در اماکن عمومی ادرار می‌کنند، در خیابان‌ها آشغال می‌ریزند، در شهرها خوک پرورش می‌دهند، با صدای بلند موسیقی گوش می‌کنند و مانع آسایش همسایگان می‌شوند.» در گزارش بی‌بی‌سی آمده است که رییس‌جمهور ۸۲ساله معتقد است، جامعه کوبا بسیار آموزش‌دیده‌تر از قبل شده اما از نظر فرهنگی رشد نکرده است: «وقتی به این اعمال تاسف‌برانگیز نگاه می‌کنم به این فکر می‌افتم که با وجود دستاوردهای آموزشی غیرقابل انکار انقلاب، از نظر فرهنگ شهروندی و روحیه جمعی گامی به عقب برداشته‌ایم» او درست می‌گوید. بر اساس گزارش یونسکو، کوبا در کنار کانادا، فنلاند و کره‌جنوبی، بر اساس چشم‌انداز ارتقای کیفیت آموزشی کودکان تا سال ۲۰۱۵ به‌ویژه کودکان اقشار آسیب‌پذیر و محروم، بهترین سیستم آموزشی را داشته است. در نظام آموزشی کوبا تحصیل تا کلاس نهم اجباری است و در تمام سطوح و از جمله در سطح آموزش‌عالی برای همگان رایگان است و تمام وجوه فرد (از جمله آمادگی جسمانی و فیزیکی، ورزش، اوقات‌فراغت و آموزش‌های هنری) را دربر می‌گیرد و در عین حال محتوای آموزش را با زندگی، کار و تولید مرتبط می‌کند. در کوبا ظرف ۱۰سال، نرخ باسوادی از ۴۰درصد به رقم باورنکردنی ۹۷درصد رسیده است، بدون اینکه تبعیض جنسیتی یا طبقاتی در پراکندگی باسوادان به چشم بخورد. با این همه به نظر نمی‌رسد رائول کاسترو انگیزه‌ای برای پاسداری از این دستاوردها داشته باشد. او «اصلاح نظام آموزشی» را از سال ۲۰۱۱ با کاهش ظرفیت پذیرش دانش‌آموزان و دانشجویان در برخی رشته‌ها آغاز کرد که منجر به کاهش ۵۰درصدی پذیرش در دانشگاه شد.

عکس روز

پارک «گزی» از امروز به‌روی مردم ترکیه باز است. اما با تدابیر شدید امنیتی

عکس: ایسنا

نگاه بیرون

رقص جوانان بریتانیا با نغمه قدیمی

The Economist

پیمان مردانی

● «اکونومیست» در طول ۱۷۰سال گذشته از انتشار خود همواره مدافع تجارت آزاد و حامی آزادی‌های فردی است. در این میان اما احزابی نیز هستند که تمایل دارند آزادی‌های اجتماعی و اقتصاد لیبرالی را فربه کنند. برخی احزاب کوچک هستند که جسورانه تلاش می‌کنند که به ترکیبی از دو برسند حتی اگر پاداش آنها این باشد که کوچک‌تر از قبل شوند. در ایالات متحده تصور ما اشتباه است که مردم آمریکا خواهان لیبرالیسم با یک دولت بزرگ هستند، بلکه مخالف آن هستند و از رویه دیگری دفاع می‌کنند. در بریتانیا و در خانه اکونومیست، سرزمین آدام اسمیت، جان استیوارت میل و ویلیام گلداستون، روزنه امید تازه‌ای پیدا شده است. بریتانیایی‌های جوان کاملا لیبرال هستند با همان تم کلاسیک خود. با این تفاوت که آنها به نقطه‌ای از ملالت نسبت به گذشته رسیده‌اند از این نظر که دیگران چه دارویی مصرف می‌کنند یا رنگ پوست دیگران اهمیت دارد یا نه آنها را نسبت به گذشته متمایز می‌کند. اگرچه مانند اجدادشان به عمده مهاجران فکر نمی‌کنند و از اینکه سیاستمداران فقط آن را محکوم می‌کنند خسته شده‌اند. همچنین آنها در مقایسه با بزرگان خود درخصوص مسایل مربوط به «رفاه» کلبی مسلک هستند. این در حالی است که تقریبا ۷۰درصد از بریتانیایی‌های متولد پیش از جنگ و ۶۱درصد نیز از افراد متعلق به پس از جنگ جهانی دوم بر این باورند که به دست‌آوردن اهداف دولت رفاه یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دولتمردان بریتانیایی بوده است. از میان متولدان ۱۹۷۹ به بعد اما تنها ۳۰درصد با این موضوع موافقت دارند. جوانان خواهان کاهش کسری بودجه هستند. آنها درخصوص گرم‌شدن زمین نگران هستند اما به طرز غریبی خواهان دولت حداقلی هستند. برای مثال آنها در مورد سوپرمارکت‌های بزرگ بی‌تفاوت هستند. این به این دلیل نیست که آنها فقط جوان هستند بلکه به تغییرات نسلی هم باز می‌گردد. در سال ۱۹۸۷ بریتانیایی‌هایی که بین ۱۸ تا ۳۴سال سن داشتند دیگران را به کاهش سود تشویق می‌کردند و از دیگران می‌خواستند که روی دو پای خود بایستند. جوان‌های این دوره در این موارد بیشتر بی‌تفاوت هستند. ولی باید اذعان داشت که آنها به‌طور اجتماعی لیبرال‌تر از نسل‌های قبلی مورد اشاره هستند. برای این موضوع چندین دلیل وجود دارد. این جوانان در جامعه‌ای مخلوط بزرگ شده‌اند. جوانانی که در معرض اینترنت قرار داشته‌اند. سازمانی (اینترنت) که با دخالت دولت امکان حضور پیدا کرده است. این در حالی است که جامعه کمتر به آنها سخاوت نشان داده است. در سال ۱۹۹۸ دولت وقت یک‌سال کمک‌های مالی دانشجویی را که در حدود هزارپوند می‌شد را قطع کرد. در حال حاضر این وام‌ها تا ۹ هزار پوند افزایش یافته است و یادآور فعالیت‌های دولت رفاه است اما چنین حسی در این خصوص وجود ندارد. در سال ۲۰۱۰ دولت هزینه‌ای را که برای افراد فقیر جهت تحصیل آنها پرداخت می‌کرد تا آنها را متقاعد کند کودکان آنها در مدارس باقی بمانند و ادامه تحصیل دهند، قطع کرد. در مقابل حقوق بازنشستگان افزایش یافته است و از فروش خانه‌های آنها حفاظت بیشتری می‌شود و مراقبت‌های بیشتر از خانه‌های مسکونی آنها می‌شود. اینها گنجینه دولت رفاه هستند. جوانان بریتانیایی غیرمعمول هستند. این موضوع در مقایسه با جوانان آمریکایی بیشتر ملموس می‌شود. در ایالات متحده در برابر مساله ازدواج همجنس‌خواهان لیبرال‌تر و در مقابل در برابر قانون سقط جنین کمتر صبوری نشان می‌دهند (این همان تعریف سخت از لیبرالیسم است). برخی نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که جوانان آمریکایی اعتقاد دارند که از بزرگان خود مستعدتر هستند و همچنین بر این باورند که دولت آنها باید کارهای بیشتری برای آنان انجام دهد. نوجوانان بریتانیایی تا ۲۰ساله‌ها، اما به نوبه خود زمانی که صاحب فرزند شوند شاید بیشتر طرفدار دولت گراشدن باشند و این امر با به مشکل برخوردن آنها شدت بیشتری به خود می‌گیرد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که آنها زمانی که خود صاحب فرزند شوند کمتر در مقابل دگرباشان و مصرف داروهای مخدر تساهل نشان خواهند داد اما آنها مدلی از اولیای خود نخواهند شد. باید گفت که آنها در جوانی خود شکل گرفته‌اند. مشکلی که در این میان وجود دارد این است که جوانان امروزه بریتانیا خواهان آزادی هستند اما کمتر سیاسی هستند. در حال حاضر متوسط سن نمایندگان مجلس ۵۰سال و در شورا ۶۰سال و در مجلس اعیان نیز ۶۹سال شده است. رای‌های موجود در شورا حتی به میانسالان تعلق می‌گیرد. میانسالان در بیشتر حوزه‌ها غالب هستند.

بریده اخبار

- **ایسنا: اویگدور لیبرمن، رییس کمیسیون امور خارجی و امنیت کنست از تصمیم‌گیرندگان و فرماندهان ارتش خواست برای ضربه زدن به غزه و اشغال دوباره آن و از بین بردن زیرساخت‌های حماس تصمیمی قاطعانه بگیرند.**
- **ایسنا: وزارت کشور افغانستان دیروز اعلام کرد: در عملیات پاکسازی توسط نیروهای پلیس ملی این کشور ۲۹ شبه‌نظامی طالبان کشته و ۱۵ نفر دیگر نیز زخمی شدند.**
- **راشاتودی: اوو مورالس رییس‌جمهوری بولیوی اعلام کرد فرود اجباری هواپیمایش در وین اتریش مساله‌ای نیست که هیچ‌گاه در آمریکای جنوبی فراموش شود.**